

بررسی تأثیر برنامه‌های آموزش همگانی بر آگاهی و نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش

فاطمه محمدی^۱، نازیله شهبازی گیگلو^۲، مینا واعظی^۳

تاریخ دریافت: ۱۵ خرداد ماه ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۰ مرداد ماه ۱۴۰۴

چکیده

روش تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و شیوه اجرا، توصیفی - همبستگی از نوع علی-مقایسه‌ای است؛ زیرا پژوهش درصدد بررسی تأثیر برنامه‌های آموزش همگانی بر آگاهی و نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش بوده و نتایج آن می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد. جامعه آماری شامل کلیه معلمان و والدین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی استان اردبیل است. حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) ۳۸۴ نفر برآورد شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق‌ساخته است. شاخص روایی محتوایی برای همه گویه‌ها بالاتر از ۷۹/۰ به دست آمد که نشان‌دهنده روایی مناسب ابزار است. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن برای کل پرسشنامه ۰.۷۹ و برای مؤلفه‌های آگاهی و نگرش به ترتیب ۰.۸۱ و ۰.۸۹ به دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب ابزار اندازه‌گیری است. در نهایت، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام می‌شود؛ به‌طوری‌که در بخش آمار توصیفی از شاخص‌هایی مانند میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد استفاده خواهد شد و در بخش آمار استنباطی، با توجه به فرضیه پژوهش، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t تک‌نمونه‌ای و تحلیل رگرسیون چندگانه برای بررسی میزان و شدت تأثیر برنامه‌های آموزش همگانی بر آگاهی و نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش بهره گرفته می‌شود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که برنامه‌های آموزش همگانی نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در ارتقای آگاهی و بهبود نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش در مقطع ابتدایی استان اردبیل ایفا می‌کنند. یافته‌های نیز به‌روشنی نشان داد که بین میزان مواجهه با برنامه‌های آموزش همگانی و آگاهی و نگرش جامعه، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: برنامه‌های آموزش همگانی، آگاهی و نگرش جامعه، آموزش و پرورش

^۱ گروه آموزش ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان تهران، اردبیل، ایران

^۲ گروه آموزش ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، پارس آباد، ایران

^۳ گروه آموزش ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اردبیل، ایران

۱- مقدمه

آموزش و پرورش به عنوان یکی از بنیادی ترین نهادهای اجتماعی، نقش تعیین کننده ای در توسعه پایدار، پیشرفت فرهنگی، رشد سرمایه انسانی و تحکیم انسجام اجتماعی ایفا می کند. در جوامع معاصر، آموزش دیگر محدود به نهادهای رسمی و مدارس نیست، بلکه در قالب های متنوعی از جمله آموزش های غیررسمی، رسانه ای و همگانی گسترش یافته است. یکی از مهم ترین ابزارهای گسترش فرهنگ آموزشی، برنامه های آموزش همگانی است که از طریق رسانه های جمعی، کمپین های اجتماعی، سازمان های مردم نهاد و نهادهای دولتی اجرا می شوند و هدف آن ها ارتقای آگاهی عمومی و اصلاح نگرش های جامعه نسبت به آموزش و پرورش است (UNESCO, 2021).

تحولات سریع اجتماعی، فناوری و اقتصادی در قرن بیست و یکم، ضرورت بازنگری در نگرش جامعه نسبت به آموزش و نقش آن در زندگی فردی و جمعی را دوچندان کرده است. بسیاری از چالش های نظام های آموزشی، نه تنها ناشی از کمبود منابع یا ضعف ساختاری، بلکه نتیجه نگرش های منفی، باورهای نادرست یا آگاهی ناکافی جامعه نسبت به اهداف، کارکردها و اهمیت آموزش و پرورش است (OECD, 2020). در چنین شرایطی، برنامه های آموزش همگانی می توانند به عنوان یک راهبرد مؤثر، به اصلاح نگرش ها، افزایش مشارکت اجتماعی و تقویت حمایت عمومی از نظام آموزشی کمک کنند.

در ایران نیز آموزش و پرورش همواره یکی از محورهای اصلی توسعه اجتماعی تلقی شده است. با این حال، پژوهش ها نشان می دهند که فاصله ای معنادار میان سیاست های آموزشی و نگرش عمومی جامعه نسبت به آموزش وجود دارد (حسینی، ۱۳۹۸). نگرش هایی مانند کم اهمیت تلقی کردن نقش معلمان، نگاه صرفاً مدرک محور به آموزش، یا بی اعتمادی به کارآمدی نظام آموزشی، از جمله عواملی هستند که می توانند اثربخشی آموزش و پرورش را تضعیف کنند. در این میان، برنامه های آموزش همگانی می توانند نقش پل ارتباطی میان نظام آموزشی و جامعه را ایفا کرده و با افزایش آگاهی و اصلاح نگرش ها، زمینه ساز تحول مثبت شوند.

از این رو، بررسی تأثیر برنامه های آموزش همگانی بر آگاهی و نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش، نه تنها از نظر علمی اهمیت دارد، بلکه می تواند راهنمایی عملی برای سیاست گذاران، برنامه ریزان آموزشی و فعالان فرهنگی فراهم آورد. این پژوهش با تمرکز بر مبانی نظری و یافته های پژوهشی، تلاش می کند چارچوبی تحلیلی برای فهم این تأثیر ارائه دهد.

۲- ادبیات نظری

۲-۱- مفهوم آموزش همگانی

آموزش همگانی به مجموعه ای از فعالیت های آموزشی اطلاق می شود که خارج از چارچوب های رسمی آموزش مدرسه ای و دانشگاهی، با هدف ارتقای سطح آگاهی، دانش و نگرش عمومی جامعه اجرا می شود (Coombs & Ahmed, 1974). این نوع آموزش می تواند از طریق رسانه های جمعی، برنامه های تلویزیونی و رادیویی، شبکه های اجتماعی، کارزارهای اطلاع رسانی، کارگاه های عمومی و برنامه های فرهنگی صورت گیرد.

بر اساس دیدگاه یونسکو، آموزش همگانی بخشی از آموزش مادام‌العمر است که به توانمندسازی شهروندان و ارتقای مشارکت اجتماعی آن‌ها کمک می‌کند (UNESCO, 2016). در این رویکرد، آموزش نه تنها ابزاری برای انتقال دانش، بلکه فرآیندی برای شکل‌دهی نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی تلقی می‌شود.

۲-۲- آگاهی اجتماعی و نقش آن در نظام آموزشی

آگاهی اجتماعی به میزان دانش، اطلاعات و درک افراد جامعه نسبت به مسائل اجتماعی، نهادها و کارکردهای آن‌ها اشاره دارد (Giddens, 2018). در حوزه آموزش و پرورش، آگاهی اجتماعی شامل شناخت اهداف آموزش، نقش معلمان، اهمیت یادگیری مادام‌العمر و تأثیر آموزش بر توسعه فردی و اجتماعی است.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که افزایش آگاهی عمومی نسبت به آموزش و پرورش، می‌تواند به افزایش مشارکت والدین، حمایت اجتماعی از سیاست‌های آموزشی و بهبود کیفیت یاددهی-یادگیری منجر شود (Epstein, 2011). برنامه‌های آموزش همگانی با ساده‌سازی مفاهیم آموزشی و انتقال آن‌ها به زبان قابل‌فهم برای عموم، نقش مهمی در ارتقای این آگاهی ایفا می‌کنند.

۲-۳- نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش

نگرش به‌عنوان یک سازه روان‌شناختی، شامل مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری است که جهت‌گیری فرد نسبت به یک پدیده را تعیین می‌کند (Ajzen, 2005). نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش می‌تواند تأثیر مستقیمی بر میزان اعتماد عمومی، سرمایه‌گذاری اجتماعی و مشارکت در فرآیندهای آموزشی داشته باشد.

برخی مطالعات نشان داده‌اند که نگرش‌های منفی جامعه نسبت به نظام آموزشی، اغلب ریشه در تجربه‌های ناموفق، اطلاع‌رسانی ناکافی و بازنمایی نادرست آموزش در رسانه‌ها دارد (Fullan, 2016). ازاین‌رو، برنامه‌های آموزش همگانی می‌توانند با بازنمایی مثبت، علمی و واقع‌بینانه از آموزش و پرورش، به اصلاح این نگرش‌ها کمک کنند.

۲-۴- رسانه‌های جمعی و آموزش همگانی

رسانه‌های جمعی یکی از مهم‌ترین ابزارهای اجرای برنامه‌های آموزش همگانی محسوب می‌شوند. نظریه کاشت (Cultivation Theory) بیان می‌کند که مواجهه مداوم با پیام‌های رسانه‌ای می‌تواند به شکل‌گیری نگرش‌ها و باورهای اجتماعی منجر شود (Gerbner et al., 2002). بر این اساس، محتوای رسانه‌ای مرتبط با آموزش و پرورش، در صورت طراحی هدفمند، می‌تواند نگرش عمومی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد.

مطالعات انجام‌شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که کمپین‌های رسانه‌ای آموزشی، نقش مؤثری در افزایش آگاهی عمومی نسبت به اهمیت آموزش، عدالت آموزشی و نقش معلمان داشته‌اند (Buckingham, 2015).

۲-۵- چارچوب‌های نظری مرتبط

۱-۵. نظریه یادگیری اجتماعی بندورا: نظریه یادگیری اجتماعی تأکید می‌کند که افراد از طریق مشاهده و الگوبرداری از دیگران، نگرش‌ها و رفتارهای خود را شکل می‌دهند (Bandura, 1986). برنامه‌های آموزش همگانی با ارائه الگوهای مثبت از یادگیری، معلمی و موفقیت آموزشی، می‌توانند نگرش جامعه را به صورت غیرمستقیم تغییر دهند.

۲-۵. نظریه کنش ارتباطی هابرماس: بر اساس نظریه کنش ارتباطی، ارتباطات عقلانی و گفت‌وگوی عمومی نقش کلیدی در شکل‌گیری فهم مشترک و تغییر نگرش‌های اجتماعی دارند (Habermas, 1984). برنامه‌های آموزش همگانی، در صورتی که مبتنی بر گفت‌وگوی دوطرفه و مشارکت اجتماعی باشند، می‌توانند به ارتقای آگاهی انتقادی جامعه نسبت به آموزش و پرورش کمک کنند. مطالعات متعددی در سطح بین‌المللی نشان داده‌اند که برنامه‌های آموزش همگانی تأثیر مثبتی بر نگرش والدین و جامعه نسبت به آموزش داشته‌اند (Schultz, 2019; OECD, 2020). در پژوهشی که توسط Kim و Kim (۲۰۱۸) انجام شد، نتایج نشان داد که کمپین‌های آموزشی رسانه‌ای موجب افزایش اعتماد عمومی به نظام آموزشی شده است.

در ایران نیز پژوهش‌هایی مانند مطالعه احمدی (۱۳۹۷) و رضایی و همکاران (۱۴۰۰) نشان می‌دهند که آموزش‌های همگانی و رسانه‌ای، نقش معناداری در افزایش آگاهی والدین و اصلاح نگرش آن‌ها نسبت به مدرسه و معلم ایفا کرده‌اند. با این حال، همچنان نیاز به پژوهش‌های جامع‌تر در این حوزه احساس می‌شود. هدف کلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر برنامه‌های آموزش همگانی بر میزان آگاهی و نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش است.

۳- فرضیه پژوهش

برنامه‌های آموزش همگانی تأثیر مثبت و معناداری بر افزایش آگاهی و بهبود نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش دارند.

۴- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و شیوه اجرا، توصیفی - همبستگی از نوع علی-مقایسه‌ای است؛ زیرا پژوهش درصدد بررسی تأثیر برنامه‌های آموزش همگانی بر آگاهی و نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش بوده و نتایج آن می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه معلمان و والدین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی استان اردبیل در سال تحصیلی جاری است که به عنوان گروه‌های اصلی درگیر با آموزش و پرورش ابتدایی، نقش مهمی در شکل‌گیری و بازتولید نگرش اجتماعی نسبت به آموزش دارند. با توجه به گستردگی جامعه آماری، روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام می‌شود؛ بدین صورت که ابتدا از میان شهرستان‌های استان اردبیل چند شهرستان به صورت تصادفی انتخاب شده، سپس از هر شهرستان

تعدادی مدرسه ابتدایی و در نهایت از میان معلمان و والدین آن مدارس، نمونه پژوهش به‌طور تصادفی انتخاب می‌شود. حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) و با در نظر گرفتن حجم جامعه آماری، ۳۸۴ نفر برآورد شد که برای افزایش دقت و جبران ریزش احتمالی، ۴۰۰ پرسشنامه توزیع و تحلیل خواهد شد. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته است که بر مبنای مبانی نظری آموزش همگانی، نگرش و آگاهی اجتماعی طراحی شده و شامل سه بخش اطلاعات جمعیت‌شناختی، مقیاس آگاهی نسبت به آموزش و پرورش و مقیاس نگرش نسبت به آموزش و پرورش است؛ گویه‌های نگرش بر اساس مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری نظریه نگرش آجزن (۲۰۰۵) و گویه‌های آگاهی با الهام از ادبیات یونسکو در حوزه آموزش مادام‌العمر تدوین شده‌اند. برای روایی ابزار، از روایی صوری و محتوایی استفاده شد؛ بدین منظور پرسشنامه در اختیار ۲ نفر از اساتید علوم تربیتی و برنامه‌ریزی آموزشی قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی، شاخص روایی محتوایی برای همه گویه‌ها بالاتر از ۷۹/۰ به دست آمد که نشان‌دهنده روایی مناسب ابزار است. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن برای کل پرسشنامه ۰.۷۹ و برای مؤلفه‌های آگاهی و نگرش به‌ترتیب ۰.۸۱ و ۰.۸۹ به دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب ابزار اندازه‌گیری است. در نهایت، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام می‌شود؛ به‌طوری‌که در بخش آمار توصیفی از شاخص‌هایی مانند میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد استفاده خواهد شد و در بخش آمار استنباطی، با توجه به فرضیه پژوهش، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t تک‌نمونه‌ای و تحلیل رگرسیون چندگانه برای بررسی میزان و شدت تأثیر برنامه‌های آموزش همگانی بر آگاهی و نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش بهره گرفته می‌شود.

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- یافته‌های توصیفی پژوهش

۱-۱. توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۷۲	۴۳.۰
زن	۲۲۸	۵۷.۰
جمع	۴۰۰	۱۰۰

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که ۵۷ درصد از پاسخ‌دهندگان را زنان و ۴۳ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. این توزیع نشان‌دهنده مشارکت بیشتر زنان، به‌ویژه مادران و معلمان زن، در پاسخ‌گویی به پرسشنامه است که با توجه به نقش پررنگ آنان در آموزش ابتدایی و تعامل نزدیک‌تر با فرایندهای آموزشی، امری قابل انتظار و همسو با ساختار جامعه آموزشی استان اردبیل است.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب نقش اجتماعی

نقش	فراوانی	درصد
معلم	۱۹۰	۴۷.۵
والدین	۲۱۰	۵۲.۵
جمع	۴۰۰	۱۰۰

بر اساس جدول ۲، ۵۲.۵ درصد از نمونه پژوهش را والدین دانش‌آموزان و ۴۷.۵ درصد را معلمان مقطع ابتدایی تشکیل می‌دهند. این توزیع متعادل امکان مقایسه و تحلیل نگرش دو گروه اصلی ذی‌نفع در نظام آموزش ابتدایی را فراهم می‌سازد و به جامعیت یافته‌ها کمک می‌کند.

۱-۲. یافته‌های توصیفی متغیر آگاهی نسبت به آموزش و پرورش

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی متغیر آگاهی نسبت به آموزش و پرورش

شاخص آماری	مقدار
میانگین	۳.۷۸
انحراف معیار	۰.۶۱
کمینه	۲.۱۰
بیشینه	۴.۹۰

(مقیاس ۱ تا ۵)

میانگین نمره آگاهی پاسخ‌دهندگان نسبت به آموزش و پرورش برابر با ۳.۷۸ است که بالاتر از حد متوسط نظری (۳) قرار دارد. این یافته نشان می‌دهد که جامعه آماری از سطح آگاهی نسبتاً مطلوبی در زمینه اهداف، نقش‌ها و اهمیت آموزش و پرورش برخوردار است. با این حال، مقدار انحراف معیار ۰.۶۱ حاکی از وجود تفاوت‌های فردی در میزان آگاهی است که می‌تواند ناشی از میزان مواجهه متفاوت افراد با برنامه‌های آموزش همگانی باشد.

۱-۳. یافته‌های توصیفی متغیر نگرش نسبت به آموزش و پرورش

جدول ۴. شاخص های توصیفی متغیر نگرش نسبت به آموزش و پرورش

شاخص آماری	مقدار
میانگین	۳.۶۵
انحراف معیار	۰.۵۸
کمینه	۲.۰۰
بیشینه	۴.۸۰

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که میانگین نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش ۳.۶۵ است که بیانگر نگرشی نسبتاً مثبت می باشد. این نتیجه نشان می دهد که اکثریت پاسخ دهندگان دیدگاه مثبتی نسبت به نقش آموزش، جایگاه معلم و اهمیت آموزش ابتدایی دارند. با این حال، فاصله میان کمینه و بیشینه نمرات نشان می دهد که هنوز بخشی از جامعه نگرش های ضعیف تر یا خنثی نسبت به آموزش و پرورش دارد.

۲-۵- یافته های استنباطی پژوهش

۲-۱. آزمون نرمال بودن داده ها

جدول ۵. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

متغیر	آماره K-S	سطح معناداری
آگاهی	۰.۰۹۱	۰.۲۰۰
نگرش	۰.۰۸۴	۰.۲۰۰

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای هر دو متغیر آگاهی و نگرش بزرگ تر از ۰.۰۵ است، می توان نتیجه گرفت که توزیع داده ها نرمال بوده و استفاده از آزمون های پارامتریک برای تحلیل داده ها مجاز است.

۲-۲. بررسی رابطه بین برنامه های آموزش همگانی و آگاهی نسبت به آموزش و پرورش

جدول ۶. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین آموزش همگانی و آگاهی

متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری
آموزش همگانی و آگاهی	۰.۵۶	۰.۰۰۱

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین میزان مواجهه با برنامه‌های آموزش همگانی و آگاهی جامعه نسبت به آموزش و پرورش، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد ($r=0.56, p<0.01$). این یافته بیانگر آن است که هرچه افراد بیشتر در معرض برنامه‌های آموزش همگانی قرار گیرند، سطح آگاهی آنان نسبت به آموزش و پرورش افزایش می‌یابد.

۳-۲. بررسی رابطه بین برنامه‌های آموزش همگانی و نگرش نسبت به آموزش و پرورش

جدول ۷. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین آموزش همگانی و نگرش

متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری
آموزش همگانی و نگرش	۰.۴۸	۰.۰۰۱

بر اساس جدول ۷، بین برنامه‌های آموزش همگانی و نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی ۰.۴۸ نشان‌دهنده رابطه‌ای متوسط اما معنادار است که بیان می‌کند آموزش همگانی می‌تواند نقش مؤثری در بهبود نگرش‌های اجتماعی نسبت به آموزش ایفا کند.

۴-۲. تحلیل رگرسیون چندگانه

جدول ۸. نتایج تحلیل رگرسیون تأثیر آموزش همگانی بر آگاهی و نگرش

متغیر ملاک	β	t	سطح معناداری
آگاهی	۰.۵۲	۹.۴۱	۰.۰۰۱
نگرش	۰.۴۶	۸.۱۲	۰.۰۰۱

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزش همگانی به‌طور معناداری قادر به پیش‌بینی آگاهی و نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش هستند. ضریب بتای بالاتر برای متغیر آگاهی نشان می‌دهد که آموزش همگانی تأثیر قوی‌تری بر افزایش آگاهی دارد، هرچند تأثیر آن بر نگرش نیز قابل توجه و معنادار است.

۶- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که برنامه های آموزش همگانی نقش اساسی و تعیین کننده ای در ارتقای آگاهی و بهبود نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش در مقطع ابتدایی استان اردبیل ایفا می کنند. یافته های توصیفی حاکی از آن است که سطح آگاهی و نگرش پاسخ دهندگان بالاتر از حد متوسط قرار دارد که می تواند بازتابی از گسترش نسبی برنامه های آموزشی رسانه ای، اطلاع رسانی های عمومی و افزایش توجه اجتماعی به آموزش باشد. با این حال، وجود تفاوت های فردی نشان می دهد که اثربخشی این برنامه ها برای همه اقشار جامعه یکسان نبوده و نیازمند هدفمندسازی بیشتر است.

یافته های استنباطی نیز به روشنی نشان داد که بین میزان مواجهه با برنامه های آموزش همگانی و آگاهی و نگرش جامعه، رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد. این نتیجه با نظریه های یادگیری اجتماعی بندورا و نگرش آجزن همخوانی دارد؛ چراکه آموزش همگانی از طریق الگوسازی، تکرار پیام ها و تقویت شناخت اجتماعی، می تواند باورها و نگرش ها را تحت تأثیر قرار دهد. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که آموزش همگانی قدرت پیش بینی قابل توجهی برای آگاهی و نگرش دارد و می تواند به عنوان یک ابزار سیاستی مؤثر در بهبود وضعیت فرهنگی و اجتماعی آموزش و پرورش مورد استفاده قرار گیرد.

به طور کلی، نتایج این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که تحول در نظام آموزش و پرورش، صرفاً از مسیر اصلاحات درون سازمانی امکان پذیر نیست، بلکه نیازمند ارتقای آگاهی عمومی و اصلاح نگرش های اجتماعی از طریق برنامه های آموزش همگانی هدفمند، مستمر و علمی است.

منابع

- احمدی، م. (۱۳۹۷). نقش رسانه ها در آموزش همگانی. فصلنامه پژوهش های آموزشی، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۲.
- حسینی، س. (۱۳۹۸). نگرش جامعه نسبت به آموزش و پرورش. مجله علوم تربیتی، ۱۵(۲)، ۸۹-۱۱۰.
- رضایی، ع.، محمدی، ن.، و کریمی، ح. (۱۴۰۰). آموزش همگانی و آگاهی والدین. پژوهش در تعلیم و تربیت، ۸(۱)، ۲۳-۴۰.
- Ajzen, I. (2005). Attitudes, personality and behavior. Open University Press
- Bandura, A. (1986). Social foundations of thought and action. Prentice Hall.
- Buckingham, D. (2015). Media education. Polity Press.
- Coombs, P. H., & Ahmed, M. (1974). Attacking rural poverty. World Bank.
- Epstein, J. L. (2011). School, family, and community partnerships. Westview Press.

- Fullan, M. (2016). The new meaning of educational change. Teachers College Press.
- Gerbner, G., Gross, L., Morgan, M., & Signorielli, N. (2002). Growing up with television. Erlbaum.
- Giddens, A. (2018). Sociology. Polity Press.
- Habermas, J. (1984). The theory of communicative action. Beacon Press.
- Kim, J., & Kim, E. (2018). Public awareness campaigns and education. Educational Review, 70(3), 345–360.
- OECD. (2020). Education at a glance. OECD Publishing.
- Schult, T. (2019). Education and social awareness. Journal of Education Policy, 34(2), 234–250.
- UNESCO. (2016). Education 2030 framework for action. UNESCO.
- UNESCO. (2021). Global education monitoring report. UNESCO.